

کیمیسان

امام حسین(ع) را به **شجاعت و شهادت می‌شناسیم، در حالی که ایشان همانند دیگر معصومان و پیشوایان دین (ع) دارای سجایا و فضائل و مکارم اخلاقی بسیاری است. برای اینکه شناخت جامعی نسبت به امام حسین (ع) حاصل شود بهتر آن است که زوایا و ابعاد دیگر آن حضرت (ع) نیز در جامعه بیان شود. نویسنده بر همین اساس به سرائع آموزه‌های اخلاقی آن حضرت (ع) رفته تا سنت و سیره ایشان را در این ابعاد و حوزه‌ها معرفی کند.**

امام حسین(ع) اسوه نیک کامل

براساس آموزه‌های قرآنی هر یک از پیشوایانی که در قرآن از آنان به عنوان پیامبران و اولیای الهی و مانند آن نام برده شده، اسوه‌هایی برای بشریت هستند و فلسفه و سبک زندگی خود را بر اساس عقاید و اعمال آنان برگزیدند و انجام دهند. از جمله این اسوه‌های بشریت، چهارده معصوم از اهل بیت محمد (ص) هستند که خداوند آنان را برای رهبری انتخاب و تطهیر کرده است. (احزاب، آیه ۳۳ و نساء، آیه ۵۹، مائده، آیات ۳ و ۵۵؛ انسان، آیت ۵ تا ۲۲)
چهارده معصوم (ع) به اعتبار نفس پیامبر (ص) اسوه حسنه و کامل هستند (احزاب، آیه ۲۱؛ آل عمران، آیه ۶۱) بنابراین این، همه زندگی آنان از قول و فعل و تقریر برای ما حجت است و آنان بر اساس همین سنت می‌توانند از ما بازخواست کرده و ما نیز به همین سنت استدلال کنیم و بگوییم که علت عمل به این سبک زندگی یا حتی باور به فلسفه زندگی، براساس سنت و سیره شمامت.

این پیشوایان معصوم (ع) دارای چنان ابعاد شخصیتی متنوع و پیچیده‌ای هستند که نمی‌تواند به تمام حقیقت ایشان آگاه باشد. اما بررسی و تحقیق در حد مقدور و استطاعت بر ما به عنوان پیروان ایشان ضروری است، با آنکه برخی از آنان به خصوصیت یا خصوصیاتِ بارز معروف شده‌اند، ولی باید دانست که آنان انسان‌های کاملی هستند که هیچ نقص و عیبی به ساختشان راه ندارد و آنان در همه ابعاد به کمال رسیده‌اند؛ هر چند که به سبب شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی برخی از ابعاد شخصیتی آنها ظهور و بروز بیشتری پیدا کرده و برای ما پیروان بیشتر جلوه‌گری می‌کند.

البته گاه همین نادیده گرفتن ابعاد دیگر زندگی آنان می‌تواند برای فهم حرکت و اهداف آنان ما را دچار مشکل و کژفهمی کند. بنابراین، نمی‌بایست به سبب آنکه مثلاامام حسین (ع) در امر به معروف و نهی از منکر و شجاعت و مقابله با ظلم حکومت ظالمان خلفا در میان امامان و پیشوایان دیگر بیشتر نمود یافته، ابعاد دیگر وی نادیده شود و یا اصلا در منابر و مجالس و کتب مطرح و بیان نشود.

سخاوت و گذشت امام حسین (ع)

یکی از ابعاد حضرت حسین(ع) همانند دیگر پیشوایان معصوم (ع) جنبه‌های اخلاقی ایشان است که در سیره وسنت آن حضرت(ع) بسیار چشمه‌است؛ زیرا از نظر آموزه‌های اسلامی، حوزه اخلاقی مهم‌ترین حوزه زندگی بشر است؛ زیرا هدف و فلسفه بعثت پیامبران حوزه اخلاقی است تا انسان‌های کاملی پرورش و تربیت شوند و حتی احکام شریعت در راستای تقویت حوزه اخلاقی عملی است تا انسان‌های متخلق به اخلاق خدایی تربیت شوند. پیامبر(ص) نیز مأموریت خویش را اتمام مکارم اخلاقی فراتر از محاسن اخلاقی دانسته است.

در سنت و سیره امام حسین (ع) مثلا جنبه سخاوت بسیار آشکار است و ایشان درصدا سلام به عنوان سخاوتمندترین افراد مطرح بودند. حکایت‌های چندی درباره سخاوت آن حضرت نقل شده است. خود آن حضرت(ع) نیز براساس همین سیره عملی خویش، دیگران را به بخشندگی دعوت می‌کند. امام حسین (ع) می‌فرماید: ایها اناس ناسفوا فی المکارم و سلو عوا فی المنعمان و لا تحسبوا بمعروف لم تجلوا؛ ای مردم در مکارم اخلاقی با یکدیگر رقابت کنید و در بهره‌گرفتن از فرصت‌ها شتاب ننمایید و کار نیکی را که در

انجامش شتاب نکرده‌اید، به حساب نیآورید. (بخاراالانوار، ج ۷، ص. ۷۵.) (۱۲۱)
آن حضرت(ع) مومنان را تشویق می‌کند که همواره مکارم اخلاقی را به عنوان رفتارو عمل صالح خویش قرار دهند. لذا می‌فرماید: آن آچود الناس من أعطی من لایرجو؛بخشنده‌ترین مردم کسی است که به آنکه چشم امید به او نبسته، بخشش کند. (کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۰)
یعنی همان طوری که خداوند همن بیت لایحتسب؛ از جایی که برایش حساب باز نشده‌ای می‌بخشد، مومن نیز می‌بایست حساب بخورد کند و به کسی که امیدی به وی نبسته است بخشش کند. آن حضرت (ع) نیز در سیره عملی‌اش این گونه بود.

آن‌جایی که درخواست کردن عزت آدمی را کاهش می‌دهد، انسان باید پیش از آنکه دست طلب و نیاز به سوشی دراز شود، محبت، احسان و انفاق کند؛ این اخلاقی، کریمانه است. بنابراین، انسان باید در زندگی با کریمان

امام حسین (ع) برای شناخت اهل احسان

و روز دن به آنان می‌فرماید: جز به یکی از سه نفر حاجت مبر: به دیندار، یا صاحب مروت، یا کسی که اصالت خانوادگی داشته باشد.

نشست و برخواست داشته باشد تا از آنان بهره برد. اگر انسان کریم النفس در زندگی نیافت، دست کم با اهل احسان نشست و برخواست داشته باشد، تا اگر نیازی داشت به آنان روز زند؛ وگرنه اگر گرفتار انسان‌های پست و لئیم شود، هیچ بهره‌ای جز عرض خود نبرد و از زمخت افتادن برایش سودوی ندارد. امام حسین (ع) برای شناخت اهل احسان و روز دن به آنان می‌فرماید: لاترفع حاجتکم الا الی احد ثلاثه: الی ذی دین، او مروه او حسب، جز به یکی از سه نفر حاجت مبر: به دیندار، یا صاحب مروت، یا کسی که اصالت خانوادگی داشته باشد. (تحف العقول، ص ۲۴۷) به هر حال در این افراد این احتمال است که وقتی عرض و آبروی خود را در معرض سوال قرار داده‌اید، دست خالی باز نگردید.

اینکه انسان باید به این افراد، روز ببینداز به دلیل آن است که این دسته از آدم‌ها بویژه دینداران براین اعتقاد هستند که خداوند به آنان تفضل کرده و منت نهاده که ایمان را مجرای فیض خود نهدد و آنان می‌توانند به دست خودشان خدمتی به خلق خدا کنند و در حقیقت خود را محبوب خداوند می‌دانند که مردم را به درخانه آنان روانه کرده‌اند. امام حسین (ع) در باره این نعمت الهی که نصیب هر کسی نمی‌شود می‌فرماید: ان حوائج الناس الیک من نعم الله علیکم فلا تملوا النعم؛ نیاز مردم به شما از نعمتهای خدا بر شما است، از این نعمت افسرده و بیزار نباشید. (نهج البلاغر، ص ۸۱۱)

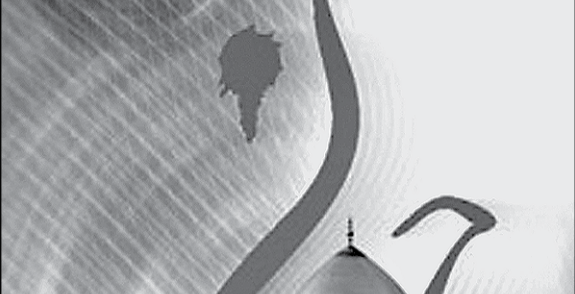
به هر حال با هر کسی نمی‌توان نشست و برخواست کرد، بهترین افراد همان اهل کرامت و سپس اهل احسان هستند تا انسان از کرامت و احسان آنها بهره‌مند باشد و زمینه رشد و پرورش اخلاقی و روحی را به دست آورد، زیرا با بزرگان نشست و برخاست داشتن انسان را بزرگ می‌کند و با افراد پست رفت وآمد داشتن انسان را به پستی می‌کشاند.

امام حسین (ع) دراین باره هشدار می‌دهد و می‌فرماید: مجالسه اهل

معارف

Maaref@kayhan.ir

الدَّاهُءُ شَرٌّ، و مجالسه اهل فسوق ربه؛ همنشینی با سفلیگان و افراد پست ناپسند است و همدمی با گناهکاران، موجب بدبینی مردم و از دست دادن اعتماد و اعتبار است. (بخاراالانوار، ج ۷، ص. ۷۵.) (۱۲۲).
از سنت و سیره امام حسین (ع) به دست می‌آید که ایشان بر سخاوت و بخشندگی تاکید دارد، البته این بخشندگی اختصاص به مسائل و اتفاقات مالی ندارد، بلکه همه مسائل را در برمی‌گیرد؛ از این رو امام حسین (ع) به بخشندگی در امور دیگر نیز اشاره می‌کند و مثلا می‌فرماید: ایما اتینن جری بینهما کلام فطلب احدهما راضی الاخر کما سابقه الی الجنّه؛هریک از دو نفری که میان آنها نزاعی واقع شود و یکی از آن دوه، رضایت دیگری را بجوید، سبقت گیرنده اهل بهشت خواهد بود. (کشف الغمه فی معرفه الامم ج ۲، ص ۳۳)
یسا در جایی دیگر می‌فرماید: ان الغنی الناس من عفا عند قدرته؛ بخشنده‌ترین مردم کسی است که در هنگام قدرت می‌بخشد. (الدره



علی جواهردهی

اگر راه گم کرده‌ای نشنات می‌دهیم، اگر گرسنه‌ای، می‌سیرت می‌کنیم، اگر نیازمندی، تو را بی‌نیاز می‌کنیم.»

مرد شاهی، ساکت و میوه‌ت به چهره امام نگاه می‌کرد و متحیر ماند که چه بگوید و چگونه عذرخواهی کند. در پایان با شرمساری گفت: خدا خود می‌داند که رسالت خویش را درک‌دام خاندان قرار دهد. (داستان راستان، شهید مرتضی مطهری، ص ۱، ص ۲۸، با اندکی تصرف، صردا).

رضایات خدا

از صفات برجسته یک مسلمان راستین آن است که همواره رضایت خداوند را در زندگی خویش مدنظر قراردهد، نه آنکه رضایات مخلوق را ترجیح دهد در حالی که خشم خدا را به جان می‌خرد. آن حضرت (ع) خود این گونه بود به جای اینکه دنبال خوشنودی بزند و معاویه و دیگران باشد، در جست وجوی رضایت خالق بود، چرا که بر این باور بود که: لافلح قوم اشتروا مرضات

المخلوق بسخط الخالق؛ رستگار نمی‌شوند مردمی که خشنودی مخلوق را در مقابل غضب خالق خریدند. (بخاراالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲)
بسیاری از مردم دنبال این هستند که زن و فرزند و مسئولان و مدیران و کارفرمایان خودشان را راضی کنند هرچند که موجب خشمم الهی شود. این که در برابر منکرات سکوت پیشه می‌کنند یا اجازه می‌دهند که کارفرما و مسئول به شکلی از آنان بهره‌گیری کرده و استعمار و استثمار نماید، اوج بدبختی انسان است؛ زیرا از مصادیق خسردانیا و الاخره است؛ چرا که با این کارش از دنیای خوبی نیز بهره نمی‌برد و از سوسی دیگر به جهت خشم

خاندان خود را با تمام اموال خود فدای حق تعالی کرد

خداوند باید دروخ را به جان بخرد. اگر امام حسین(ع) علیه یزید و یزیدیان قیام می‌کند، تقدیم رضایت خالق بر رضایت مخلوق بود؛از نظر آن حضرت کسی که بخواهد در روز قیامت در امنیت از عذاب الهی باشد، باید در دنیا از خداوند ترس و خوف داشته باشد و با تقوای عملی به خود اجازه نهدد که گامی را بردارد که خشم الهی را در پی دارد. از نظر آن حضرت(ع) تنها با خوف از خدا در دنیا و در پیش گرفتن تقواست که انسان در امنیت از عذاب الهی در آخرت خواهد بود. چنانکه می‌فرماید: لا یأمن يوم القیامه الا من عرف الله فی الدنیا؛ کسی در قیامت در امان نیست مگر آن که در دنیا ترس از خدا در دل داشت. (منابغ این شهر آشوب ج ۳/ص ۶۹؛بخاراالانوار، ج ۲، ص ۱۹۲) در آیات قرآنی تصرع و انابه مورد تاکید است و آن را نشانه از خوف مشیت مومن در دنیا نسبت به خدا تفسیر می‌کنند، چون موجب می‌شود که اهل تقوا و مغفرت باشد. (روم، آیه ۳۱، اعراف، آیات ۵۵ و ۲۰۵) و امام حسین(ع)، شروع به فحش و ناسزا گفتن به امام کرد، امام حسین(ع) همچنان است، عامل نجات انسان می‌شود. از آن حضرت(ع) نقل شده که فرمودند:البگاه من خشیه الله نجاه من النار؛ گریه از ترس خدا سبب نجات از آتش جهنم

خداوند باید دروخ را به جان بخرد. اگر امام حسین(ع) علیه یزید و یزیدیان قیام می‌کند، تقدیم رضایت خالق بر رضایت مخلوق بود؛از نظر آن حضرت کسی که بخواهد در روز قیامت در امنیت از عذاب الهی باشد، باید در دنیا از خداوند ترس و خوف داشته باشد و با تقوای عملی به خود اجازه نهدد که گامی را بردارد که خشم الهی را در پی دارد. از نظر آن حضرت(ع) تنها با خوف از خدا در دنیا و در پیش گرفتن تقواست که انسان در امنیت از عذاب الهی در آخرت خواهد بود. چنانکه می‌فرماید: لا یأمن يوم القیامه الا من عرف الله فی الدنیا؛ کسی در قیامت در امان نیست مگر آن که در دنیا ترس از خدا در دل داشت. (منابغ این شهر آشوب ج ۳/ص ۶۹؛بخاراالانوار، ج ۲، ص ۱۹۲) در آیات قرآنی تصرع و انابه مورد تاکید است و آن را نشانه از خوف مشیت مومن در دنیا نسبت به خدا تفسیر می‌کنند، چون موجب می‌شود که اهل تقوا و مغفرت باشد. (روم، آیه ۳۱، اعراف، آیات ۵۵ و ۲۰۵) و امام حسین(ع)، شروع به فحش و ناسزا گفتن به امام کرد، امام حسین(ع) همچنان است، عامل نجات انسان می‌شود. از آن حضرت(ع) نقل شده که فرمودند:البگاه من خشیه الله نجاه من النار؛ گریه از ترس خدا سبب نجات از آتش جهنم

محکم شدن گامهای انسان در راه خدا می‌شود. وقتی اعراب بادیه‌نشین گفتند: «ها ایمان آوردیم». خداوند فرمود: «نه این بگو که اسلام آورده‌اند و ایمان در دلهای آنان وارد نشده است.» چون هر کسی که ایمان دارد، جان و مالش را در راه خدا می‌گذارد و این نهایت اخلاص بنده با ایمان و فضل و موهبتی عظیم از سوی باری تعالی است.
۲- تقوا
کلمه «تقوی» به معنای با پای برهنه، باورچین و باپروا راه رفتن، اصلاح کردن چیزی و نگهداری آمده است. «مردم خود مسلط می‌گردد، بنابراین، تزکیه و پاک بودن درون موجب بیداری دل، صفای روح و سعادت انسان در دنیا و عقبی می‌شود. (مبادی اخلاق خداداد، ج ۱، ص ۲۱۷)

عاقبت و سلامتی مجاهدان، تجلی فضل خدا است. آنان با ایمان و توکل بر خداوند و صبر و پایداری در راه و هدف خود از هیچ حادثه‌ناگویی نمی‌هراند و سخنپنجا را با جان و دل می‌خرند و سلامت و پیروزی خود را در این راه از فضل و عنایت ویژه خدا می‌دانند. خداوند می‌فرماید: «پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، از میان دنیا فرود آبارگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند، و خداوند دارای بخششی عظیم است.» (آل عمران- ۱۴۴)

در پایان جنگ احد لشکر ابوسفیان پس از پیروزی، در میانه راه به طرف مکه

خاندان خود را با تمام اموال خود فدای حق تعالی کرد

محکم شدن گامهای انسان در راه خدا می‌شود. وقتی اعراب بادیه‌نشین گفتند: «ها ایمان آوردیم». خداوند فرمود: «نه این بگو که اسلام آورده‌اند و ایمان در دلهای آنان وارد نشده است.» چون هر کسی که ایمان دارد، جان و مالش را در راه خدا می‌گذارد و این نهایت اخلاص بنده با ایمان و فضل و موهبتی عظیم از سوی باری تعالی است.

کلمه «تقوی» به معنای با پای برهنه، باورچین و باپروا راه رفتن، اصلاح کردن چیزی و نگهداری آمده است. «مردم خود مسلط می‌گردد، بنابراین، تزکیه و پاک بودن درون موجب بیداری دل، صفای روح و سعادت انسان در دنیا و عقبی می‌شود. (مبادی اخلاق خداداد، ج ۱، ص ۲۱۷)
عاقبت و سلامتی مجاهدان، تجلی فضل خدا است. آنان با ایمان و توکل بر خداوند و صبر و پایداری در راه و هدف خود از هیچ حادثه‌ناگویی نمی‌هراند و سخنپنجا را با جان و دل می‌خرند و سلامت و پیروزی خود را در این راه از فضل و عنایت ویژه خدا می‌دانند. خداوند می‌فرماید: «پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، از میان دنیا فرود آبارگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند، و خداوند دارای بخششی عظیم است.» (آل عمران- ۱۴۴)

در پایان جنگ احد لشکر ابوسفیان پس از پیروزی، در میانه راه به طرف مکه

محکم شدن گامهای انسان در راه خدا می‌شود. وقتی اعراب بادیه‌نشین گفتند: «ها ایمان آوردیم». خداوند فرمود: «نه این بگو که اسلام آورده‌اند و ایمان در دلهای آنان وارد نشده است.» چون هر کسی که ایمان دارد، جان و مالش را در راه خدا می‌گذارد و این نهایت اخلاص بنده با ایمان و فضل و موهبتی عظیم از سوی باری تعالی است.
۲- تقوا
کلمه «تقوی» به معنای با پای برهنه، باپروچین و باپروا راه رفتن، اصلاح کردن چیزی و نگهداری آمده است. «مردم خود مسلط می‌گردد، بنابراین، تزکیه و پاک بودن درون موجب بیداری دل، صفای روح و سعادت انسان در دنیا و عقبی می‌شود. (مبادی اخلاق خداداد، ج ۱، ص ۲۱۷)
عاقبت و سلامتی مجاهدان، تجلی فضل خدا است. آنان با ایمان و توکل بر خداوند و صبر و پایداری در راه و هدف خود از هیچ حادثه‌ناگویی نمی‌هراند و سخنپنجا را با جان و دل می‌خرند و سلامت و پیروزی خود را در این راه از فضل و عنایت ویژه خدا می‌دانند. خداوند می‌فرماید: «پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، از میان دنیا فرود آبارگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند، و خداوند دارای بخششی عظیم است.» (آل عمران- ۱۴۴)

محکم شدن گامهای انسان در راه خدا می‌شود. وقتی اعراب بادیه‌نشین گفتند: «ها ایمان آوردیم». خداوند فرمود: «نه این بگو که اسلام آورده‌اند و ایمان در دلهای آنان وارد نشده است.» چون هر کسی که ایمان دارد، جان و مالش را در راه خدا می‌گذارد و این نهایت اخلاص بنده با ایمان و فضل و موهبتی عظیم از سوی باری تعالی است.
۲- تقوا
کلمه «تقوی» به معنای با پای برهنه، باپروچین و باپروا راه رفتن، اصلاح کردن چیزی و نگهداری آمده است. «مردم خود مسلط می‌گردد، بنابراین، تزکیه و پاک بودن درون موجب بیداری دل، صفای روح و سعادت انسان در دنیا و عقبی می‌شود. (مبادی اخلاق خداداد، ج ۱، ص ۲۱۷)
عاقبت و سلامتی مجاهدان، تجلی فضل خدا است. آنان با ایمان و توکل بر خداوند و صبر و پایداری در راه و هدف خود از هیچ حادثه‌ناگویی نمی‌هراند و سخنپنجا را با جان و دل می‌خرند و سلامت و پیروزی خود را در این راه از فضل و عنایت ویژه خدا می‌دانند. خداوند می‌فرماید: «پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، از میان دنیا فرود آبارگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند، و خداوند دارای بخششی عظیم است.» (آل عمران- ۱۴۴)

محکم شدن گامهای انسان در راه خدا می‌شود. وقتی اعراب بادیه‌نشین گفتند: «ها ایمان آوردیم». خداوند فرمود: «نه این بگو که اسلام آورده‌اند و ایمان در دلهای آنان وارد نشده است.» چون هر کسی که ایمان دارد، جان و مالش را در راه خدا می‌گذارد و این نهایت اخلاص بنده با ایمان و فضل و موهبتی عظیم از سوی باری تعالی است.
۲- تقوا
کلمه «تقوی» به معنای با پای برهنه، باپروچین و باپروا راه رفتن، اصلاح کردن چیزی و نگهداری آمده است. «مردم خود مسلط می‌گردد، بنابراین، تزکیه و پاک بودن درون موجب بیداری دل، صفای روح و سعادت انسان در دنیا و عقبی می‌شود. (مبادی اخلاق خداداد، ج ۱، ص ۲۱۷)
عاقبت و سلامتی مجاهدان، تجلی فضل خدا است. آنان با ایمان و توکل بر خداوند و صبر و پایداری در راه و هدف خود از هیچ حادثه‌ناگویی نمی‌هراند و سخنپنجا را با جان و دل می‌خرند و سلامت و پیروزی خود را در این راه از فضل و عنایت ویژه خدا می‌دانند. خداوند می‌فرماید: «پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، از میان دنیا فرود آبارگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند، و خداوند دارای بخششی عظیم است.» (آل عمران- ۱۴۴)

محکم شدن گامهای انسان در راه خدا می‌شود. وقتی اعراب بادیه‌نشین گفتند: «ها ایمان آوردیم». خداوند فرمود: «نه این بگو که اسلام آورده‌اند و ایمان در دلهای آنان وارد نشده است.» چون هر کسی که ایمان دارد، جان و مالش را در راه خدا می‌گذارد و این نهایت اخلاص بنده با ایمان و فضل و موهبتی عظیم از سوی باری تعالی است.
۲- تقوا
کلمه «تقوی» به معنای با پای برهنه، باپروچین و باپروا راه رفتن، اصلاح کردن چیزی و نگهداری آمده است. «مردم خود مسلط می‌گردد، بنابراین، تزکیه و پاک بودن درون موجب بیداری دل، صفای روح و سعادت انسان در دنیا و عقبی می‌شود. (مبادی اخلاق خداداد، ج ۱، ص ۲۱۷)
عاقبت و سلامتی مجاهدان، تجلی فضل خدا است. آنان با ایمان و توکل بر خداوند و صبر و پایداری در راه و هدف خود از هیچ حادثه‌ناگویی نمی‌هراند و سخنپنجا را با جان و دل می‌خرند و سلامت و پیروزی خود را در این راه از فضل و عنایت ویژه خدا می‌دانند. خداوند می‌فرماید: «پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، از میان دنیا فرود آبارگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند، و خداوند دارای بخششی عظیم است.» (آل عمران- ۱۴۴)

صفحه ۶
 یک شنبهٔ ۴ آبان ۱۳۹۳
 اول محرم ۱۴۳۶ – شماره ۶-۲۰۹۰

است. (جامع الاخبار ص ۹۷)
اصولا از نظر آن حضرت هر گونه عصیان و نافرمانی نه‌تنها موجب آسیبش و آرامش دنیوی نیست بلکه موجب جلب بلایا به سسوی شخص در همین دنیااست. از این رو هشدار داده و می‌فرماید: من حاول امر بمعصیالله کان افوت لما یرجو و اسرع لمجى ما یختره؛ آن که در کاری که نافرمانی خداست بکوشد، امیشد را از دست می‌دهد و نگرانی‌ها به او رو می‌آورد. (الکافی، ج ۲، ص ۳۷۲؛ نیز الکافی، ج ۴، ص ۱۱۷)

انسان‌ها باید نسبت به هم اهل تذکر باشند و تشویق به عصیان و معصیت نکنند؛ چنین افرادی همان دوستان صادق انسان هستند که چون گوهر ارزشمند هستند. امام حسین(ع) فرمودند: من احبک نهارک و من ابغضک اغراق؛ کسی که تو را دوست دارد، در وقت افتادگی می‌کند و کسی که تو با دشمنی دارد، از تو تعریف و تمجید می‌کند. (نهج البلاغر، ص ۸۸)

از نظر امام چنین افرادی که رضایت خدا را برای تو اصالت می‌بخشند و راه درست را نشان می‌دهند و به نقد عملکرد تو می‌پردازند همان دوستان واقعی هستند؛ انسان عالم و عاقل از چنین دوستانی بهره‌مند می‌شود. امام حسین(ع) می‌فرماید: من دلائل العالم اقلهه لحدیثه و علمه یحقلق فنون النظر؛ از نشانه‌های عالم، سخن نقد و اندیشه خود و آگاهی از نظرات مختلف است (بخار الانوار، ج ۷، ص ۱۱۹)

انسان باید مواظب باشد تا گرفتار استدراج و امهال نشود؛ زیرا گاه خداوند غضب و خشم خود را نشان نمی‌دهد تا ببیند بنده تا کجا پیش می‌رود، اینکه

انسان معصیت کند و عذاب و بلایی نبیند نشانه خوبی نیست؛ چرا که امام حسین(ع) می‌فرماید: اللهم لا تستدرجنی بالاحسان و لا تؤذینی بالایا؛ خدا یاباای غرق کردن من در ناز و نعمت، مرا به برنگاه عذاب خویش مکشان و با بلایا (گرفتاری‌ها) ادبم مکن. (الدره الباهره من الاصفاف الطاهره، ص ۲۳) از این رو به مردم درباره مسئله استدراج هشدار داده و می‌فرماید: الاستدراج من الله سبحانه لعبدن الا یسیغ علیه النعم و یسلبه الشکر؛ غافلگیری کردن بنده از جانب خداوند به این شکل است که به او نعمت فراوان دهد و

*** در سنت و سیره امام حسین (ع) جنبه سخاوت بسیار آشکار است و ایشان درصدا سلام به عنوان سخاوتمندترین افراد مطرح بودند. حکایت‌های چندی درباره سخاوت آن حضرت نقل شده است. خود آن حضرت(ع) نیز براساس همین سیره عملی خویش، دیگران را به بخشندگی دعوت می‌کند.

توفیق شکرگزاری را از او بگیرد. (تحفالعقول، ص ۲۴۶)بسیاری از مردم در کسب رضایت خدا تلاش نمی‌کنند و لذا گرفتار بلاى استدراج می‌شوند؛ اما اگر مرعات کنند در تنها از این مصیبت در امان خواهند ماند بلکه خداوند کفایت کارشان را خواهد داد. امام حسین(ع) در این باره می‌فرماید: ان عبدالله حق عبادته اتاه الله فوق امائیه و کفایته؛ هر که خدا را، آن گونه که سزاوار اوست، بندگی کند، خداوند پیش از آرزوها و کفایش به او طلا کند. (بخاراالانوار، ج ۶، ص ۱۸۴)
در هیچ حال سخاوتی نباید رضایت خدا را فروگذارند؛ دنبال رضایت خلق بروند؛ چرا که اول موجب خشم و غضب الهی می‌شود و دوم اینکه هیچ سودی از آن شخص به او نمی‌رساند؛ چرا که با کوچک‌ترین خطا همه آن اعمال را نادیده می‌گیرد؛اینها تنها گوشه‌ای از فضایل و مکارم اخلاقی آن حضرت(ع) است که در دو حوزه احسان و رضایت خالق بیان شده است. در حوزه‌ها و ابعاد دیگر نیز آن حضرت در قول و عمل اینگونه بودند و مکارم اخلاقی را به نمایش می‌گذاشتند. باشد با پیروی از آموزه‌های ایشان خود را در مسیر کمال الهی قرار داده و رضایت و محویت خداوند را کسب کنیم.

۱-سربلجی از اوامر الهی

سربلجی از دستورات خدا و رسول او و خروج از دایره بندگی موجب محرومیت از فضل الهی است. خداوند می‌فرماید: «هرکس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید، آخداوند او را در آتشی قرارورد که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی مختاؤر است.» (نساء- ۱۴) کسانی که از روی طغیان، سرکشی، دشمنی و انکار آیات الهی، حکم خدا را زیر پا می‌گذارند، در حقیقت به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند، و از حدود الهی تجاوز نموده‌اند؛ کسانی که به حقوق دیگران تجاوز می‌کنند، در ردیف کفار، گرفتار عذاب جاویدان می‌شوند.

«خود در خروج محیوسان کفار نیست. عصیان خدا و تجاوز به حقوق دیگران نیز می‌تواند زمینه خلود باشد. آنانکه به وصیت‌نامه‌عامل نمی‌کنند، یا بدهی‌های متوفیان را نمی‌پردازند، یا با اجل سند و انکار حق و ندانن سهم بعضی از وارثان، در همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی مختاؤر است.» (نساء- ۱۴)

خداوند با ارسال رسالت و انزال کتب بر پیامبران، از مردم پیمان گرفته است که جز خدای یکتا را پرستند و در مسیر اطاعت الهی گام بردارند و شکست عهد و پیمان الهی را موجب ضرر و زیان خود آنان نمی‌دانند؛ زیرا خداوند هیچ‌گونه ستمی بر بندگان روا نمی‌دارد و می‌فرماید: «سپس شما بعد از آن ایمنان روی گردان شدید، و اگر فصل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلما از زیانکاران بودید.» (بقره- ۴۶)

دراین آیه شکستن عهد و پیمان الهی موجب محرومیت از فضل باری تعالی معرفی شده است و اصلا در فرهنگ و پیشش قرآنی، دنیا تجارت‌خانه‌ای است که جمعی در آن سود می‌برند و گروهی دیگر زیان می‌کنند.

هنگامی که بنی‌اسرائیل پیروان مسلمان شدند، به محتویات تورات را شکستند و از آن تخلف نمودند، در حقیقت عمر خود را که باید در راه اطاعت از خدا و پیامبر صرف می‌کردند، از دست دادند و این شکست پیمان الهی موجب خسران در زندگیشان شد. با وجود این، فضل خداوند بسیار بود و توفیق آنان بر توبه موجب شد که جلوی این خسران گرفته شود؛ زیرا اولین مرحله آغاز توبه و پشیمانگاری توبه است و از جمله انسان‌هایی که در پیشگاه خداوند متعال ارزش والایی می‌یابند و مورد احترام و دعای فرشتگان قرار می‌گیرند، توبه‌کنندگان هستند. بنابراین، عمل به دستورات و وفا به عهد الهی موجب رشد و سعادت و شکستن عهد و پیمان الهی موجب از دست دادن سرمایه اصلی (عمر انسان) و خسران می‌شود.

۲- وسوسه‌های شیطان

خداوند در قرآن کریم به انسان مکرر دستور می‌دهد که از وسوسه‌های شیطان پیروی نکند و اگر کسی واقعا بنده خدا باشد، نباید از شیطان اطاعت کند؛ لذا می‌فرماید: «اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو رسد، به خدا پناه ببر؛ زیرا که او شنوای داناست.» (اعراف- ۲۰۰)

هرکسی از شیطان اطاعت می‌کند، به همتا به فحشا و بدکاری دستور می‌دهد، پیروی کند، او گمراه کننده است و با وسعده به فقر و ناداری، از کارهای خوب جلوگیری می‌کند و در مقابل خداوند می‌ایستد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «شیطان به شما وعده فقر می‌دهد و به زشتی فرمان می‌دهد؛ و آلی خداوند از جانب خود به شما وعده امرزش و برکت می‌دهد و خداوند گشایش‌گر داناست.» (اعراف- ۲۰۸)

خدای بزرگ در آیات بسیاری به انسان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: شیطان دشمنی آشکار است، در دشمنستی او با شما هیچ‌گونه شکی تکبید و هنگامی که انسان درصدا کار خوبی همچون انفاق و ایثار باشد، شیطان وارد عمل می‌شود و او را فرود رفته و پشیمان می‌کند. اگر ایمان ششخص نباشد، شیطان پیروز؛ ولی باید فضل و رحمت خدا را فراموش نکرده زیرا وعده‌ای که شیطان می‌دهد از روی جهالت و نادانی و هدفش گمراهی است؛ اما وعده‌ای که خداوند می‌دهد از روی علم است، و هدفش رستگاری و نجات انسان است؛ این دینو سرکش و دشمن شیطان است؛ دوری از شیطان و اطاعت نکردن از اوامر ظاهر فریب و شیطانی، خود جلوه‌ای از فضل الهی و رهایی انسان از این دشمن قسم خورده است.

خداوند می‌فرماید: «اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلما جم اشملأ اندک؛ از شیطان پیروی می‌کردید.» (نساء- ۸۲)

از بلاهای بزرگی که دامن‌گیر جوامع مختلف می‌شود روح اجتماعی، تفاهم و همکاری را در میان آنها می‌کشد، وسوسه‌های شیطان، برای ایجاد تفرقه و از بین بردن وحدت است.

بنابراین، برای نجات از داهما و وسوسه‌های رنگارنگ شیطان و لشکریان گوناگونش که در اشکال مختلف شهوات، مراکز فساد، سیاست‌های استعماری، مکتبهای انحرافی و فرهنگ‌های فاسد بروز می‌کنند، باید به سایه فضل و لطف پروردگار و ایمان و تقوای الهی پناه برد؛ و خود را به ذات پاک او سپرد که جز این راه را نمی‌بیند.

منبع: ماهنامه اطلاع‌رسانی، پژوهشی، آموزشی مبلغان، شماره ۱۴۹

بررسی مصادیق، عوامل و موانع فضل از منظر قرآن و روایات

هذا من فضل ربي

عِلْمٌ وَ عَمَلٌ وَ مَعَارِفٌ وَ مَعْرِفٌ وَ تَعَلُّمٌ وَ تَعَلُّمٌ وَ تَعَلُّمٌ وَ تَعَلُّمٌ

علوم و معارف ویژه‌ای الهی نمود فضل خدا می‌باشد؛ اولین معلم، خداوند سبحان است که با فرستادن تعالیم خود بر بزرگ معلم اخلاق؛ رسول اکرم(ص) به تزکیه و تعلیم بندگانش پرداخت و نهایت لطف و فضل خود را در نجات آنان به کار گرفت، و این فضل عظیم و فراگیر پروردگار است.

خداوند در آیه ۱۵ سوره نمل، بلافاصله بعد از بیان موهبت بزرگ «علم» سخن از «شکر» آورده تا روشن شود هر نعمتی را شکر می‌لزم و خود شکر محتاج شکر دیگر؛ «و به راستی به داود و سلیمان دانشی عطا کردیم، و آن دو گفتند: ستایش خدای را که ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش برتری داده است.» سلیمان از داود میراث یافت و گفت: ای مردم ما از زبان بندگان را تعلیم یافتیم تا از هر چیزی به ما آموخته شده است. راستی که این همان امتیاز آشکار است.» این دو پیامبر بزرگ از نعمت عملشان در نظام بخشیدن به حکومت الهی بهره گرفتند. آنها معیار برتری خود بر دیگران را در علم خلاصه کردند، نه در قدرت و حکومت، و شکر و سپاس را نیز در برابر علم شمردند، نه در مواهب دیگر، هر قدر قدرتی که هست، از علم سرچشمه می‌گیرد.

بنابراین، علمی که حضرت داود و سلیمان داشتند، فضل بود. از جانب خدا به ایشان؛ زیرا علمي که انبیا به آن اختصاص داده شده‌اند، در مقوله درس خواندن نیست؛ بلکه کرامت از طرف خداوند است که دست اوهم بدان نمی‌رسد. حضرت سلیمان(ع) تمام آنچه از قدرت، حکومت و علم به ایشان ارزانی شد، بدون عجب و غرور از فضل آشکار خدا می‌داند: (ان هذا لھو الفضل العبین)؛ و بسا دیگر می‌گوید: (هذا من فضل ربي) (نمل- ۴۰) «این از فضل پروردگار من است.» تمام آنچه را خداوند به او عطا کرد، از فضل و عنایت پروردگار می‌داند و ی قارون‌وار گفت: (لما اوتیتہ علی علم عدنی)؛ (قصص- ۸۸) «آنچه از اموال ا به من داده شد، براساس دانشی بود، که نزد من است.»

۴- تزکیه

فضل الهی، مایه تزکیه و کمال انسانهاست؛ از اینرو خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید پای از بی‌گمراهی شیطان منهدم، که هرکس پای بر جای گمراهی شیطان نهد، نباید آید.» او به رشکزاری و نابسندی امر می‌کند و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هیچ کس از شما پاک نمی‌شد؛ ولی آیین خداست که هرکس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا است که شنوای داناست.» (نور- ۲۱)
این آیه به یکی از مهم‌ترین نعمت‌های بزرگ خداوند بر انسانها در طریق هدایت، اشاره دارد که فضل و رحمت الهی موجب نجات انسانها از الودگیها و گناهان می‌شود؛ چرا که از یک سو خدا موهبت عقل را داده و از سوی دیگر موهبت وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و اطاعتی را در طریق وحی نازل می‌کند؛ هر که از موانع، گذشته از توفیقات خاص او، و آماده‌های غیبی‌اش که شامل

حقیقت صاحب فضل و بخشش از سوی خداوند می‌شوند.

۲-رسالت

رسول، فرستاده خداوند به سوی مردم است و به واسطه او حجت بر مردم تمام می‌شود، رسالت، مقام ابلاغ وحی و نشر احکام و تربیت نفوس از طریق تعلیم و آگاهی بخشیدن است. قول خداوند است که: «و احوکه به پای بهایی خود را فروختند و با آنچه خدا نازل کرده بود،